

معجزه دعا





مقدمه

سپاس بیکران خداوند حکیم و صلوات فراوان بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت

طاهرینش

یکی از عبادت های مهم، دعا کردن هست. دعا آثار و برکات فراوانی برای دعا کننده دارد. علاوه بر تاثیر در آرامش روحی و روانی انسان و نزدیکی بیشتر به خداوند حکیم، دعا در برآورده شدن حاجات انسان و بویژه در دفع بلا نقش مهمی دارد. و خدا در قران فرموده اگر دعا نکنید خدا به شما اعتنا نمی کند!

لذا پیامبران و امامان و اولیاء خدا خیلی اهل دعا بودند. امیرالمومنین با ان همه قدرت هایی که داشتند خیلی اهل دعا بودند. و اصلا بوسیله دعا نیرو می گرفتند.

ولی می بینیم که افراد کمی اهل دعا هستند و اکثر مردم از دعا کردن غافلند. و در مشکلاتی که برایشان پیش می آید دعا نمی کنند. لذا گرفتاری آنها برطرف نمیشود. و خداوند به آنها لطف نمی کند.

شاید علت دعا نکردن عده ای بخاطر جهل و ناگاهی است. آنها از اهمیت دعا آگاه نیستند. در حالی که دعا واقعا معجزه می کند و گرفتاری های بزرگ با دعا کردن برطرف می شود.

ما در این کتاب به نمونه هایی از کسانی که با دعا، گرفتاری مهم آنها برطرف شده اشاره می نماییم.

بهار 1402. کرمانشاه

معجزه دعا

دعا بر سر سفره غذا

کلینی از حفص بن عمر بجلی روایت نموده که گفت:

از وضع ناهنجار مالی و از هم پاشیدگی زندگی زنده گیم به امام صادق علیه السلام شکایت کردم. امام فرمود: هنگامی که به کوفه رفتی با فروش بالش زیر سرت هم که باشد به ده درهم غذائی آماده کن و مقداری از برادرانت را به غذا دعوت کن و از ایشان بخواه تا درباره تو دعا کنند.

حفص گوید: به کوفه آمدم و هرچه تلاش کردم غذائی تهیه کنم میسر نشد، تا بالاخره طبق دستور امام صادق بالش زیر سرم را فروختم و با آماده ساختن غذا، تعدادی از برادران دینی خود را دعوت نمودم و از ایشان خواستار دعا در حل مشکلات زندگیم شدم، آنها هم با صرف غذا دعا کردند.

او اضافه کرد: به خدا قسم! جز مدت کوتاهی از این قضیه گذشت که متوجه شدم کسی در خانه را میزند و چون در را باز کردم، دیدم شخصی که با او داد و ستد داشتم و از وی طلبکار بودم به سراغ من آمد و با پرداخت مبلغ سنگینی که به گمانم ده هزار درهم بود، بدهی خود را با من تصفیه و

مصالحه کرد و از آن پس پی در پی امر من رو به فراخی و گشایش نهاد و به رفع سختی و تنگدستی انجامید.¹

این دعایی است که جبرئیل آن را به حضرت یوسف (علیه السلام) هنگامی که در زندان بود آموخت...

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا، وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ
وَمِنْ حَيْثُ لَأَحْتَسِبُ

خدایا! درود فرست بر محمد و خاندان محمد و در کارم برای من گشایش و راه نجات قرار ده و مرا از آنجا که گمان می‌برم و از آنجا که گمان نمی‌برم، روزی عطا کن.

دعای مشلول

دعایی است که آن را امیرالمؤمنین (علیه السلام) به جوانی که به خاطر گناه و ستم در حق پدرش شل شده بود آموزش داد.

جوان این دعا را خواند و حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) را در خواب دید که دست مبارکش را بر اندام او کشیده و فرمود: بر اسم اعظم خدا محافظت کن که کار تو به خیر خواهد بود، پس بیدار شد. در حالی که سالم شده بود.

کافی، ج ۵، ص ۳۱۴¹

دعای نور

سید ابن طاووس در کتاب «مهج الدعوات» از سلمان روایتی آورده که در آخر روایت مطلبی آمده به این مضمون: حضرت فاطمه کلامی به من آموخت که از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) آموخته بود، ایشان آن را در صبح و شام می خواند؛ به من فرمود: **اگر می خواهی هرگز در دنیا دچار تب نشوی بر آن مداومت کن؛**

دعای فرج امام زمان (عج)

این دعا، دعای امام زمان (عج) است که آن را به شخصی که در زندان بود آموخت، پس آن زندانی با خواندن آن آزاد شد

إِلَهِي عَظَمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ.....

حکایت گرفتاری مرد مضطر

مالک بن دینار میگوید ((به قصد حج مسافرت میکردم، در بیابان کلاغی را دیدم که در منقارش تکه نانی بود با خودم گفتم: "یعنی چه؟ حتما حادثه ای پیش آمده که تکه نانی در منقار کلاغ است." دنبال کلاغ را گرفتم، دیدم کلاغ وارد غاری شد. وارد غار شدم. دیدم دست و پای مردی را بسته اند و به پشت انداخته اند. کلاغ برای او نان آورده و لقمه لقمه می کند و به او می دهد. به محض ورود من کلاغ رفت و دیگر برنگشت.

به آن مرد گفتم: "تو کی هستی و از کجا می آیی؟" گفتم: "من به قصد حج بیرون آمدم و در این بیابان دزدها مرا گرفتند و تمام اموالم را تصاحب کردند. دستم و پایم را محکم بستند و مرا به این مکان انداختند. پنج روز گرسنگی را تحمل کردم تا اینکه در مقام دعا عرض کردم: ای خدایی که در قرآن می فرمایی ((امن یجیب المضطر اذا دعاه)) (سوره نمل آیه ۶۲) ای کسی که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد، من مضطر و بیچاره ام، به من رحم کن. تا این که خداوند این کلاغ را به من رساند و هرروز مرا از غذا و آب سیراب میکند...

درباره امن یجیب المضطر...

در بعضی کتب معتبره نقل شده که روزی زنی بچه شیرخوارش را در بغل گرفته از روی پلی که به روی شط آب بود می گذشت ناگه بر اثر ازدحام جمعیت به زمین می افتد و بچه اش در شط آب می افتد، فریاد می زند مسلمانان به فریادم برسید و قنذاقه بچه به روی آب به حرکت آب می رفته و مادر دنبالش ناله می کرد و به مردم استغاثه می نمود تا به جایی رسید که مقداری از آب شط وارد قسمتی می شد که برای گردش سنگ آسیا تهیه دیده بودند. تصادفاً بچه هم وارد این قسمت شد، مادر دید الآن بچه اش همراه آب به زیر سنگ آسیا رفته و متلاشی می شود و یقین کرد که دیگر کسی نمی تواند بچه را نجات دهد، آن لحظه که نزدیک فرو رفتن بچه بود سر به آسمان کرد و گفت خدا! فوراً آب که به سرعت می رفت، متوقف شد و روی هم متراکم گردید تا مادر با دست خود بچه اش را برداشت و شکر الهی بجا آورد. اَمَّنْ یَجِیْبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَیَكْشِفُ السُّوءَ²

داستان اعمال ام داوود

ام داوود مادر هم شیر و رضایی امام صادق « علیه السلام » است . داستان اعمال نیمه رجب و دعای معروف به ام داوود که شیخ صدوق ، شیخ طوسی ، علامه مجلسی و سید بن طاووس ، آن را از نظر سند معتبر ، و از نظر تاثیر برای رسیدن به حاجت ، رفع گرفتاری ها و برطرف شدن ظلم و ستم دیگران تجربه شده ، شناخته اند بدین قرار است :

دعای ام داوود

فاطمه ، مادر داوود پسرزاده امام حسن مجتبی « علیه السلام » و مادر رضاعی امام صادق « علیه السلام » روایت کرده است : منصور داوینقی ، لشکری به مدینه فرستاد ، و با محمد بن عبدالله بن حسن مثنی جنگید ، او را و برادر او ابراهیم را کشت ، عبدالله محض پدر محمد و ابراهیم را با تعدادی از سادات حسنی دستگیر و اسیر کردند ، و به بند و زنجیر کشیده بودند ، و فرزند من داوود هم در میان آنها بود ، که او را از مدینه به بغداد منتقل نمودند ، و به سیاه چال زندان انداختند !

...

حادثه دستگیری و زندان بودن فرزندم ، که از او اطلاعی نداشتم ، و گاهی غم خبر مرگ او را به من می دادند ، برایم بسیار تلخ و درد ناک بود و روزگaram با اشک و آه و گریه می گذشت ، و حتی برای رفع مشکل خود ، و اندوه جانکاهی که با آن دست به گریبان بودم ، از اشخاص صالح و مومن در خواست می کردم ، برای رفع ناراحتیم دعا کنند .

اما از دعای آنان هم نتیجه ای نگرفتم، در حالی که از فرزند اسیر و زندانیم، هرروز خبر تلخ و دردناکی دریافت می کردم. به هر حال روزگار من با سختی و تلخی دردناکی دست به گریبان بود و شب و روزی نداشتم، و برای دیدار فرزندم، دنبال هر راه چاره ای می گشتم، یک روز با خبر شدم امام صادق « علیه السلام » که با فرزندم داوود از من شیر خورده بود، بیمار شده است، به دیدن او شتافتم، از آن حضرت عیادت کردم، هنگامی که می خواستم از حضورش مرخص شوم، فرمود: از داوود، خبر تازه ای نداری؟

با شنیدن نام داوود داغ من تازه شد، اشکم سرازیر گردیده، و با آه درد آلودی گفتم: مولای من! فدایت شوم داوود کجاست؟ مدت زیادی است از او خبری ندارم، فرزندم در عراق زندان است و من از دوری او و سرنوشت نامعلوم او سخت در عذاب و ناراحتی گرفتارم، از شما که برادر رضاعی او هستید، تقاضا می کنم برای نجات و آزادی او دعا کنید.

آری، امام صادق « علیه السلام » با مشاهده وضع نگران کننده من، فرمود: چرا تا کنون از دعای استفتاح غفلت کرده ای؟ مگر نمی دانی که به وسیله این دعا، درهای آسمان گشوده می شود؟ و فرشتگان الهی دعا کننده را مژده اجابت می دهند، هیچ حاجتمند و درد مند و دعا کننده ای مایوس نمی شود، و خداوند هم پاداش این دعا را بهشت قرار داده است؟.

آری با شنیدن چنین مژده ای، که با خواندن آن دعا دریافت داشتم، از حضرت سوال کردم: ای مولای من! وای فرزند خاندان پاک و معصوم! آن دعا چیست؟ و آداب آن چگونه است؟

امام صادق « علیه السلام » فرمود: ای مادر داوود ماه محترم رجب نزدیک است و در این ماه مبارک دعا مستجاب می گردد، همین که ماه رجب رسید، سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم آن را، که ایام

بیض و شبانه روز نورانی نام دارد، روزه بگیر، نزدیک ظهر پانزدهم غسل کن، هشت رکعت نماز با رکوع و سجود دقیق و حساب شده انجام بده .

آن گاه حضرت دستور کامل اعمال و آداب دعای مخصوص را را به او تعلیم داد .

ام داوود می گوید : من دستور آن حضرت را درباره آن دعا و اعمال به طور دقیق یادداشت کردم، و محضر او را ترک گفتم ، تا این که ماه رجب فرا رسید، و دستور های امام را برطبق آن چه فرموده بود، در همان روزها عملی کردم، شب شانزدهم از نیمه گذشته بود، پیغمبر « صل الله علیه و آله » و جمعی از فرشتگان و پیامبران و صالحانی را که برای آنها دعا و رحمت فرستاده بودم، در خواب دیدم، رسول خدا « صل الله علیه و آله » به من فرمود : ای ام داوود این جماعتی را که مشاهده می کنی، شفیعان تو هستند .

برای تو دعا کرده اند و مژده می دهند که، حاجت تو برآورده شده است، خداوند تو را مشمول رحمت خود قرار داده، محفوظ می دارد، فرزند تو را هم حفظ می کند، و او را سالم به آغوش تو برمی گرداند .

آری، خواب خوش و لذت بخشی دیده بودم، پیامبر و اولیای الهی را در خواب ملاقات کرده بودم، آنان به من وعده آزادی فرزندم را دادند، همین که سیاهی شب از پهنه زمین دامن جمع کرد، و طلوع خورشید به چهره هستی نور طلائئ پاشید، به خاطر وعده پیامبر و نور امیدی که در دل غم زده ام روشن گردیده بود، حال و حیات تازه ای یافته بودم، ساعت ها پس از دیگری برروز گارم می گذشت و همچنان نور امید روز گارم را گرمتر می کرد، و از فاصله زمانی که پیغمبر به من مژده آمدن

فرزندم را داده بود ، به اندازه ای که یک سوار تیز رو بتواند از عراق به مدینه آید ، گذشته بود که ناگاه در خانه باز شد ، و فرزندم به من وارد گردید .

آری ، داوود زندانی و دور از وطن به آغوشم بازگشت ، و آن گاه که از وضع روزگار و نحوه آزادی او جویا شدم ، برایم توضیح داد : مادر ! من در زندان بغداد بودم ، دست و پایم را به بند کشیده بودند ، در فشار بند های آهنین و زندان تنگ و تاریک ، روزگار تلخ و درد ناکی داشتم ، اما همین که نیمه رجب گذشت ، شب شانزدهم در خواب دیدم ، بلندی ها و ناهمواری های زمین برایم هموار شده ، و ترا که روی قطعه حصیری نشسته بودی و نماز می خواندی و برایم دعا می کردی و اطراف ترا چند نفر گرفته و بادست و سر بسوی آسمان ، در حال تسبیح و ذکر خدا بودند ، می توانم بینم . به هر حال ، من آن صحنه را در خواب دیدم ، و آن شخصیت نورانی را هم که فهمیدم جد ما رسول خداست مشاهده کردم ، و به من هم فرمود : ای پسر پیر زن صالح ! ناراحت نباش ، خداوند دعای مادرت را در حق تو مستجاب گردانیده است .

همین که از خواب بیدار شدم ، ماموران منصور دوانیقی به زندان آمدند ، سراغ مرا گرفتند ، همان شبانه مرا نزد او بردند .

او دستورداد غل و زنجیر از دست و گردنم باز کردند ، مبلغ ده هزار دینار به من داد ، مهربانی و شفقت کرد ، ماموران او همان شبانه مرا به شتری سوار کردند ، و به مدینه رسانیدند !

فاطمه ، یعنی ام داوود می گویند : آن گاه داوود را نزد امام صادق « علیه السلام » بردم ، و آن حضرت برای فرزندم توضیح داد : علت آزادی تو از زندان این بود که ، منصور دوانیقی علی « علیه السلام » را در خواب دیده بود ، و آن حضرت فرموده بود : اگر فرزند مرا آزاد نکنی ، ترا در آتش

خواهم انداخت، منصور هم در حالی که لهیب آتش را نزد خود مشاهده می کرد، ناچار به آزادی تو اقدام کرد!

بعد از آزادی فرزند، ام داوود می گوید از امام صادق « علیه السلام » سوال کردم ای مولای من! آیا این دعا را در غیر ماه رجب هم می توان خواند؟ آن حضرت فرمود: اگر روز عرفه با جمعه هماهنگ شود، این دعا را می توان خواند، و هر کس هم به این دعا اقدام کند پس از پایان خداوند او را مشمول غفران و آمرزش خود قرار می دهد.

این بود سرگذشت فاطمه دختر عبدالله، معروف به ام داوود، و حدیثی که از امام صادق روایت کرده، و نتیجه ای که از دعا و آموزش آن حضرت بدست آورده بود.

معصومه خاقانی

سه شنبه 07 اردیبهشت 1400 - 04:49

بسیار عالی ست و دقیقا درست و حقیقت محض ست و خود بنده اینجانب حقیر وقتی در مراسم اعتکاف سه سال پیش این داستان را از زبان امام جماعت مسجدی که در آنجا معتکف بودیم شنیدم خیلی برایم جالب بود و بسیار گریه کردم و بعد از مراسم ام داوود معجزه های فراوانی را در زندگیم دیدم و بسیاری از مشکلاتم بطور معجزه وار حل شد درود بر شما ولی داستانی را که آن روحانی در مسجد مراسم اعتکاف برایم تعریف کردند بسیار مفصل تر و زیباتر بود یا علی مدد التماس

ناآگاهی از اهمیت دعا

چندی پیش برای انجام تشریفات قانونی کاری به یکی از نهادهای انتظامی مراجعه کرده بودم. در سالن انتظار خانمی در کنارم نشسته بود که استیصال و نگرانی بوضوح از نگاهش می بارید. سر صحبت مان باز شد و فهمیدم علت نگرانی او دامی است که فرزند جوانش ناخواسته در آن افتاده و اکنون به خاطر کار غیر قانونی فرد دیگری در بند قرار گرفته. از شرح مشکل او می گذرم اما در حین گفت و شنودمان دو نکته توجه‌ام را جلب کرد که باعث شد این مطالب را بنویسم.

پس از اظهار تعجب آن خانم از حکمت و چرایی موضوع و اینکه نمی توانست بفهمد چرا فرزندش به گناه ناکرده گرفتار شده به او گفتم که شاید حکمت این اتفاق حفاظت او از خطری بزرگتر باشد. با توجه به اینکه مشکل پسرش ناشی از معاشرت با یک فرد ناباب (اما ظاهر الصلاح) ایجاد شده بود متوجه شدم که حرفم او را به فکر واداشت و نقطه ای را در ذهن اش روشن کرد که پیش از این متوجه اش نبود. چون با چیزهایی که او تعریف می کرد دستگیری پسرش قبل از وقوع جرم اتفاق افتاده بود و واضح بود که بدون اتفاق افتادن این وقایع، احتمال وقوع جرمی سنگین و حتی اعدام آن پسر بسیار زیاد بود.

در بند افتادن فرزند این شخص به ظاهر یک اتفاق ناگوار بود اما او متوجه نبود که این واقعه به ظاهر ناخوشایند پسرش را از چه شر و مصیبتی نجات داده

اما نکته مهم تر این بود؛ بعد از اینکه صحبت مان به موضوع دعا و نذر و سپردن به خدا برای رفع مشکل اش کشیده شد از او شنیدم که با ناامیدی گفت: این روزها دعا و نذر هم دیگر بی اثر شده این حرفش مرا تکان داد. چون این نگاهی است که اکثر افراد نسبت به تاثیر ذکر و دعا و پاسخگویی خدای زنده ای دارند که خود فرموده: «با شما هستم. می بینم و می شنوم. در حوزه تخصصی ام بسیار دیده ام که بیماران و گرفتاران دیگر هم از این نگاه مستثنی نیستند

احساس تاسف کردم و ناراحت شدم از اینکه چرا رویکرد عموم مردم نسبت به استجاب دعا این چنین شده و چرا نسبت به اثرگذاری نام خداوند و خواندن او ناامید و مایوس شده اند به راستی چه چیزی باعث می شود که ما فکر کنیم خدا را باید بسیار خواند تا اندکی جواب دهد و چرا دعاهای برخی در این روزگار کمتر مستجاب می شود؟ آیا راه استجاب دعا بسته شده؟ مگر او

خود فرموده است که « ادعونی استجب لکم»؟ آیا نعوذ بالله خداوند از قول خود برگشته و یا دیگر با ما نیست، نمی بیند و نمی شنود؟

در آموزه های مقدس این چنین آمده که «بخشش پیش از خواستن و پاسخ قبل از سؤال» از روش های خداوند است پس کجای کار اشکال دارد که بیشتر مردم فکر می کنند این روزها دعا و نذر هم بی اثر شده؟

در امر بیماری و درمان نیز این موضوع تا حدی زیادی شایع است. برخی می پرسند: اعتقاد به این موضوع که اسم خدا درمان بیماری است یا اگر دعا بخوانیم بیماری مان درمان می شود و مواردی از این نوع، جزو اعتقادات معمول مردم در بیشتر نقاط دنیا است. اما علی رغم آن، ما شاهد بیماری های ریز و درشت بسیاری در بین مردم هستیم. اگر واقعا چنین اعتقادی می تواند کمک کند پس چرا بیماری ها تا این اندازه در بین مردم شیوع و گسترده گی دارند؟

پاسخ این است که « اگر نام های خداوند واقعاً خوانده شوند، شفا دهنده اند. اما اگر از سر غفلت و بی توجهی بیان شوند نباید انتظار کار بزرگی را از آنها داشته باشید. بیشتر مردم می گویند توکل ما به خداست اما کمتر کسی ممکن است به خداوند توکل کرده باشد. اکثراً دعا می خوانند اما نادرنند.»

کسانی که دعا را آموخته اند؛ و همه خدا دارند اما کمیابند کسانی که خدا را یافته اند خداوند بنابر آنچه که در قرآن کریم فرموده پاسخگویی به دعا کننده را بر خود واجب فرموده پس به قول بزرگی: « اگر تشخیص ندادید، اگر ندیدید و اگر نشنیدید، نگویید که نیست زیرا این شماست که نمی بینید و نمی شنوید. بسیاری دیده و می بینند. شنیده و می شنوند، پس عجز لانه قضاوت نکنید

: البته خواندن خداوند راه دارد. به قول همان بزرگ

بسیاری از مردم به گونه ای خدا را می خوانند که انگار مرده ای را می خوانند. به گونه ای با خداوند سخن می گویند که انگار با فردی که وجودش خیالی است یا در دوردست ها سکونت دارد. در حالی که خداوند زنده و حاضر از خودت به تو نزدیکتر است. او، هستی توست

خدا را طوری بخوانید که انتظار پاسخش را داشته باشید و خداوند، خواننده ی خود را حتی پیش از خوانده شدن، پاسخ می دهد. اما از راه های خودش و با روش های خودش نه صرفاً آنطور که شما

تصور می کنید. او با علائم و تغییرات، با اتفاقات، با احساسات و اندیشه‌ها، با بخشش‌ها و گرفتن‌ها
...»... (و...) پاسخ می دهد

خواندن خداوند و نامهای مقدس او از مهمترین کلیدهای استجاب دعا و رفع گرفتاریها و
بیماریهاست. پس بیاید از این به بعد خدا را آن گونه که باید بخوانیم. حداقل آن گونه که «انسانی
» بیدار، با عظمت، بینا، شنوا و ناطق را می خوانیم
. باشد که شاهد باز شدن قفلها و گشوده شدن درهای رحمت و برکت اش به روی خود باشیم^۳

دعای سریع الاجابه از حضرت امیرالمؤمنین (ع) برای حاجت ضروری

در روایات آمده است که مردی خدمت حضرت امیرالمؤمنین (ع) شکایت کرد از دیر شدن جواب
دعایش فرمود چرا نمی خوانی دعای سریع الاجابه را پرسید که آن کدام دعا است فرمود بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ النُّورِ الْحَقِّ الْبُرْهَانِ الْمُبِينِ
الَّذِي هُوَ نُورٌ مَعَ نُورٍ وَ.....

دعای سریع الاجابه از امام رضا علیه السلام

راوی گوید:، چون حضرت ابو الحسن رضا علی بن موسی صلوات الله علیهما رحلت نمودند، تعویذی
یافته شد که بر آن حضرت بسته بود و در آخر آن نوشته شده بود آنکه پدر آن حضرت فرمودند که
جد ایشان حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام به برکت این دعا از شر دشمنان پناه می جستند و
دائما این تعویذ را در بند شمشیر خود آویخته بودند و در آخر این دعا نامهای خدا عزّ و جلّ است و
آن حضرت بر اولاد و اهل خود شرط نمودند آنکه این دعا را بر هلاکت و ضرر مؤمنی نخوانند.

«برگرفته از دیدگاههای ا.م. در موضوع «درمان هماهنگ و شفای الهی»³

پس بدرستی که هر کس این دعا را بخواند دعای او نزد خدا عزّ و جلّ برنمی‌گردد؛ و دعا این است:

اللَّهُمَّ بِكَ أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ أَسْتَجِجُ وَبِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَوَجَّهُ اللَّهُمَّ سَهِّلْ لِي حُزُونَتَهُ وَكُلَّ حُزُونِهِ وَذَلِّلْ لِي صُعُوبَتَهُ وَكُلَّ صُعُوبِهِ...

دعای مقاتل بن سلیمان از امام سجاد (ع)

امام سجاد (ع) به مقاتل بن سلیمان، دعایی را تعلیم داده، که مقاتل گوید هر کس این دعا را صد بار بخواند، دعایش مستجاب خواهد شد. این دعا چنین است:

«إِلَهِي كَيْفَ أَدْعُوكَ وَأَنَا أَنَا وَكَيْفَ أَقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَأَنْتَ أَنْتَ...»

دعای رهایی از بند و زندان (مفاتیح الجنان)

سید بن طاووس در مُهْجِ الدَّعَوَاتِ فرموده روایت شده که شخصی در شام محبوس بود مدّت طولی پس در خواب دید حضرت زهراء عَلِيهَا السَّلَام را که به او فرمود بخوان این دعا را و به او تعلیم فرمود پس چون خواند

:از بند خلاص شد و به خانه خود رفت و آن دعا این است

اللَّهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَمَنْ عَلاَهُ وَبِحَقِّ الْوَحْيِ وَمَنْ أَوْحَاهُ

خدایا به حق عرش و آنکس که بر آن احاطه دارد و به حق وحی و آنکس که آنرا فرو فرستد

وَبِحَقِّ النَّبِيِّ وَمَنْ نَبَّأَهُ وَبِحَقِّ الْبَيْتِ وَمَنْ بَنَاهُ يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ

و به حق پیغمبر و آنکس که مقام پیغمبری به او داده و به حق خانه کعبه و آنکس که ساختش ای شنوای

هر صدا

يا جامعِ كُلِّ فَوْتٍ يا باريُّ النُّفوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

ای گردآورنده هر چه از دست رفته ای پدید آورنده اشخاص پس از مرگ درود فرست بر مجد و خاندانش

وَأَتِنَا وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا فَرَجاً مِنْ عِنْدِكَ

و به ما و همه مردان و زنان با ایمانی که در شرق و غرب زمین هستند گشایشی هرچه زود از نزد خودت

عطا فرما

عَاجِلاً بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

به حق گواهی دادن بر اینکه معبودی نیست جز خدا

وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّم تَسْلِيماً كَثِيراً

و مجد بنده و رسول تو است درود خدا بر او و بر آن فرزندان پاک و پاکیزه اش و تحیت کامل و بسیاری بر

آنها باد

دعای رفع گرفتاری ها از امام رضا (ع) و یک داستان امام زمانی در مورد این دعا

شیخ ما ثقۀ الاسلام نوری (نورالله مرقدۀ) در کتاب «دارالسلام» از شیخ خود مرحوم خلد مقام، عالم ربانی، جناب حاج ملا فتحعلی سلطان آبادی نقل فرموده است: که فاضل مقدس آخوند ملا محمد صادق عراقی در نهایت سختی و پریشانی و بدحالی بود و به هیچ وجه در کارش گشایشی فراهم نمی آمد تا آنکه شبی در خواب دید که در یک وادی خیمه بزرگی با گنبدی برپاست، پرسید این خیمه از کیست؟ گفتند: از کهف حصین [دژ محکم] و غیاث مضطر مستکین [یار یگر هر بیچاره درمانده] امام قائم حضرت مهدی و امام منتظر مرضی (عجل الله فرجه) می باشد.

پس با شتاب خدمت آن حضرت شرفیاب شد و سختی حال خود را به آن جناب عرضه داشت و از آن بزرگوار دعایی برای گشایش کار و رفع غم خویش خواست. امام عصر (عج) او را به سیدی از اولاد خود ارجاع نمود و به او و خیمه‌اش اشاره فرمود. آخوند از خدمت حضرت مرخص شده و به خیمه‌ای که حضرت به آن اشاره فرموده بود رفت. دید که سید سند و حبر معتمد [دانشمند مورد اطمینان] عالم امجد مؤید، جناب آقا سید محمد سلطان آبادی است که در آن خیمه روی سجاده نشسته، مشغول دعا و قرائت است.

آخوند به محضر سید سلام کرد و حکایت حال خود را برای او بازگفت. سید او را برای گشایش کار و فراخی روزی دعایی تعلیم کرد. پس از بیدار شدن از خواب در حالی که آن دعا در خاطر او بود قصد خانه سید کرد با آنکه آخوند پیش از این خواب با سید به دلیلی که بیان نمی‌کرد رابطه خوبی نداشت و او را ترک گفته بود. چون به خدمت سید رسید او را به همان صورت که در خواب دیده بود مشاهده کرد که در مصلاّیش نشسته، مشغول ذکر و استغفار است،

به سید سلام کرد، سید جواب سلامش را داد و لبخندی زد، چنان که گویا از داستان آگاه باشد! پس آخوند از سید برای گشایش امر خود دعایی خواست. سید همان دعایی را که در خواب به او آموخته بود تعلیم کرد، آخوند مشغول به آن دعا شد و در اندک مدتی دنیا از هرسو به او روی آورد و از سختی و تنگدستی بیرون آمد.

مرحوم حاج ملا فتحعلی از سید به مدح شایسته‌ای تعریف می‌کرد و چندی به زیارتش نائل شده و زمانی چند هم شاگردی او را نموده بود.

سید در خواب و بیداری به آخوند سه چیز را تعلیم نموده بود:

اول: آنکه پس از فجر دست بر سینه گذارد و هفتاد مرتبه «یا فتّاح» [ای گشاینده مشکلات] گوید.

دوم: آنکه به خواندن این دعا که در کتاب کافی است مداومت نماید. دعایی که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به فردی از صحابه خویش که به ناخوشی و پریشانی مبتلا بود تعلیم داد و از برکت خواندن این دعا ناخوشی و پریشانی در اندک زمانی از او برطرف گشت:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا .

هیچ نیرو و توانی نیست مگر آنکه به خدا متکی است، توکل دارم بر زنده جاودانی که هرگز نمی میرد و ستایش خدای را که فرزندی نگرفته و در فرمانروایی شریکی برایش نبوده و از خواری و ناتوانی سرپرستی نداشته است و بی اندازه بزرگش شمار.

سوم: آنکه به دنبال نمازهای صبح «دعایی» که از شیخ بزرگوار ابن فهد روایت شده را بخواند: شیخ ابن فهد در کتاب «عدّة الدّاعی» از امام رضا (علیه السلام) روایت کرده: هر کس پس از نماز صبح این کلمات را ادا کند حاجتی نخواهد مگر آنکه برایش فراهم شود و خداوند آنچه برای او اهمیت دارد برایش آماده سازد و آن سخن این است:

بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، ﴿وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ، فَوْقَهُ اللَّهُ سِنَاتٍ مَا مَكُرُوا﴾ ، ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ، فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ﴾ . ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ دِيَارِهِمْ فَأَمَّا جَلُودٌ فَمَا كَانُوا يَسْتَعْجِلُونَ﴾ ، ﴿مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَأَمَّا شَاءَ النَّاسُ؛ مَا شَاءَ اللَّهُ وَإِنْ كَرِهَ النَّاسُ﴾

به نام خدا، درود خدا بر محمد و خاندانش، کارهایم را تنها به خدا واگذار می کنم چه خدا به حال بندگان خویش آگاه است، پس خدا او را از نیرنگ آنها نگاه داشت، معبودی جز تو نیست، پاک و منزهی، همانا من از ستمکاران بودم، پس به درخواست او (یونس) پاسخ گفتیم و او را از غم رهانیدیم و بدین سان مؤمنان را رهایی می بخشیم، خدا ما را بس است و نیکو و کیلی است، پس همراه با نعمت و فضل خدا و درحالی که هیچ آسیبی به آنها نرسیده بود بازگشتند. آنچه خدا خواهد همان می شود،

هیچ نیرو و توانی نیست جز آنکه به خدا متکی است. آنچه خدا بخواهد آن می شود نه آنچه مردمان بخواهند؛ آنچه خدا بخواهد خواهد شد گرچه مردمان خوش ندارند،

حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ ، حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ ، حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ، حَسْبِيَ مَنْ هُوَ حَسْبِي ، حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي ، حَسْبِيَ مَنْ كَانَ مُدًّا كُنْتُ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي ، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ .

کفایت می کند پروردگار مرا از یاری پروردگان، آفریدگار مرا از کمک آفریده‌ها، روزی دهنده مرا از لطف روزی خواران، خدای یکتا پروردگار جهانیان کفایت می کند، مرا بس است آن که به حقیقت مرا بس است، مرا بس است آن که همواره مرا بس است، مرا بس است آن که همواره از آنگاه که بوده‌ام مرا بس بوده است، مرا بس است خدایی که معبودی جز او نیست، بر او توکل نمودم و اوست پروردگار عرش بزرگ. این اوراد و اذکار را باید غنیمت شمرد و به خواندن آن‌ها اهتمام داشت و از فوئادش غفلت نکرد.

منبع: مفاتیح آنلاین - تعقیب نماز صبح

تعلیم دعای حضرت
فاطمه (س) برای رفع
گرفتاری، توسط امام
حسین (ع) به حضرت
سجاد (ع)

امام سجاد (ع) فرمود: در روز عاشورا، پدرم دعایی را برای رفع گرفتاری و مشکل به من آموختند و فرمودند این دعا را من از مادرم، و مادرم از حضرت رسول اکرم (ص) و ایشان از جبرئیل (ع)

فرا گرفته است.

امام زین العابدین (ع) می‌فرماید: در روز عاشورا، پدرم مرا در حالی که خون از بدن مبارکش می‌جوشید به سینه‌اش چسبانید و فرمود: پسر، دعایی است برای رفع گرفتاری و نیاز شدید و مشکلی که پیش می‌آید. این دعا را مادرم فاطمه زهرا (س) به من آموخته است و او خود از رسول خدا (ص) فرا گرفته بود. پیامبر نیز آن را از جبرئیل فرا گرفته بود. از من فراگیر.

آن‌گاه فرمود: بخوان. «خداوندا، به حق یاسین و قرآن حکیم و به حق طه و قرآن عظیم، ای کسی که توانایی برآوردن نیازهای درخواست کنندگان و نیازمندان را داری، ای کسی که به آنچه در ضمیر و باطن است آگاهی، ای برطرف کننده اندوه دل شکسته‌گان، ای گشاینده غم افسردگان، ای مهربان نسبت به پیرمرد کهن سال و ای روزی دهنده کودک خردسال، ای کسی که نیازمند به تفسیر و برهان نیست، بر محمد (ص) و خاندان محمد درود فرست و برای من این کار و آن کار را انجام بده. (2)

1. بِحَقِّ يَسٍ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَ بِحَقِّ طهٍ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ، يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ، يَا مَنْفَسَ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا مُفْرَجَ عَنِ الْمَغْمُومِينَ، يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا.⁴

فاطمه زهرا (س)، شادمانی دل پیامبر، ص 454.⁴

دعای توسل

فردی نقل می کند که در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیه اسلام از آیت الله روح الله شاه آبادی نصیحتی خواستم که ایشان فرمودند

دعای توسل را هر روز بخوان که اثر اصلی آن مربوط به هر روز خوانده شدنش است و اگر هر روز آن را بخوانید در اثر هر روز خواندن آن را حفظ نیز خواهید کرد. مداومت بر خواندن این دعا در هر روز کلیدی است که به هر قفلی می خورد و در برآورده شدن حاجات بسیار نافع می باشد. خواندن مرتب این دعا باعث افزایش ایمان انسان می شود و بهترین مونس انسان است. در هنگام تنهایی و وقتی که به خواسته و حاجت خود رسیدید متوجه خواهید شد دعای توسل واسطه شده که حاجت خود را از خدا گرفته اید، بنابراین هر بار که حاجتی داشتید باز هم دعای توسل خواهید خواند و دفعه بعدی که گرفتاری و حاجتی داشته باشید نیز به سراغ این دعا خواهید آمد.

آیت الله شاه آبادی مجتهدی است که بیش از چهل سال است که هر روز دعای توسل می خواند و اثرات فراوانی از آن دیده است.

او تاکید می کند که اصل دعای توسل به هر روز خواندنش است و جالب این است که بسیاری از افرادی که به توصیه ایشان عمل کرده اند و هر روز دعای توسل خوانده اند آثار و برکات بسیار زیاد مادی و معنوی آن را درک کرده اند. بنابراین توصیه می کنم به تمام افرادی که گره در کارشان افتاده و مشکل دارند به این دستور العمل عمل کنند تا حاجاتشان برآورده شده و گره از کارشان باز شود.

رسول خدا (ص) می فرماید: هر گاه یکی از شما دعا می کند همه را دعا نماید زیرا در این صورت به اجابت نزدیک تر است

در روایت است که مردی نابینا خدمت پیامبر اسلام رسید و عرض کرد از خدا بخواه چشمان مرا بینا گرداند. پیامبر (ص) به او دستور داد وضو بگیرد و این دعا را بخواند: ((اللَّهُمَّ انى اسئلك و اَتَوَجَّه اليك بنبيك نبى الرّحمه يا محمدانى توجهتُ بك الى ربى فى حاجتى .اللهم تقبل شفاعته فى حقى ..).یعنی خدایا از تو مسئلت می کنم و به سوی تو، به پیامبرت محمد (ص) پیامبر رحمت توجه می کنیم ای محمد (ص) من به کمک تو به پروردگار خود توجه کردم در این حاجت خود تا آن را برآورده سازد خدایا شفاعت او را دربارهی من بپذیر!وقتی این دعا را خواند پس بینا شد

». گفته اند پیامبر صلی الله علیه و آله در دعا چنان تضرع می کرد که نزدیک بود عبا از دوشش بیافتد»

در حدیثی از رسول خدا (ص) آمده است **كِه الدَّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ** دعا یعنی همان عبادت است

شبی که در جنگ احزاب کار بر حضرت سخت شد پیامبر چنین دعا کرد: **يا صريح المكرويين و يا مجيب دعوة المضطرين و يا كاشف غمی، اِكشِفْ عَنى غمى و همى و كِربى فانك تَعَلَمَ حالى و حال اصحابى و اَكفِنى هول عدوى**

پیامبر ما حضرت محمد (ص) فرمودن خدایت را آنگونه عبادت نما مانند این که او را می بینی اگرچه . تو او را نمی بینی ولی او تو را می بیند

پیامبر فرموده یکی از دعاهایی که به اجابت نمی رسد دعای فرزند علیه والدین است

رسول خدا فرمود: خدا فرموده: کسی که مرا بخواند و بداند من هستم که نفع و ضرر می رسانم .دعایش را مستجاب می کنم

رسول خدا (ص) می فرماید مَنْ اَن يَسْتَجَابُ دَعَاهُ و ... کسی دوست دارد دعایش مستجاب شود، غذا و کسب و کارش را پاک و پاکیزه سازد

امام صادق (ع) از پدراناش از رسول اکرم روایت کرده: خدا به یکی از پیامبرانش وحی کرد: به عزت و جلالم سوگند! هر کس به غیر من امیدوار شود ناامیدش خواهم کرد و جامه خواری و ذلت را بر او خواهم پوشاند و او را از فضل و بخشش خود به دور خواهم داشت. بنده من هنگام سختی، چشم امید و آرزو به دست دیگری بدوزد در حالی که سختی‌ها بدست من است و امیدوار به غیر من شود در حال که من بی‌نیاز و بخشاینده‌ام؟! کلید درهای بسته در دست من است و در اجابت به روی کسی که مرا خواند باز است.

رسول خدا می‌فرماید: به زودی بر امت من زمانی می‌آید که درونشان فاسد و ظاهرشان خوب باشد به عنوان دست‌یابی به دنیا و برای خدا کاری انجام نمی‌دهند. بلکه کارشان فقط به منظور ریا و خودنمایی است و هیچ باکی ندارند خداوند آنان را به مجازاتی گرفتار می‌نماید آن‌گاه دعا می‌کنند. مانند دعا شخصی که در حال غرق شدن است اما دعایشان مستجاب نمی‌گردد.

از قول پیامبر (ص) در مورد این آیه (يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ) سوره : الرَّحْمَنِ آیه 29) نقل کرده که فرموده از شئون الهی این است که گناهی را می‌بخشد و گرفتاری را برطرف می‌سازد عده‌ای را بالا عده‌ای دیگر را پایین می‌آورد.

پیامبر اسلام می‌فرماید: لِيَدْخُلَ عَلَى قُبُورِ الْأَمْوَاتِ مِنْ دَعَاءِ الْأَحْيَاءِ مِنَ الْأَنْوَارِ مِثْلَ الْجِبَالِ، پیامبر (ص) می‌فرماید: دعای زندگان به صورت کوه‌های نور به قبرهای مردگان داخل می‌گردد.

پیامبر اکرم (ص): دعا و صدقه برای میت را هدیه به وی دانسته است.

از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود برای خداوند نود و نه اسم است که هر کس آنها را حفظ کند وارد بهشت خواهد شد.

امام سجاد (ع) می‌فرماید: بیست 20 سال از خدا خواستم اسم اعظم را به من بیاموزد تا سرانجام در عالم رویا پیامبر (ص) را دیدم دعای به من آموخت که هر چه خواستم به برکت آن دعا از خدا

گرفتم احمد ابن عیسی که راوی این حدیث است می گوید: من نیز این دعا را مجرب یافتم و آن دعا
:این است

یا الله یا الله یا الله وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَ
ذُو الْأَسْمَاءِ الْعِظَامِ وَذُو الْعِزِّ الَّذِي يُرَامُ وَالْهَكْمِ إِلَهٍ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى
«مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ».

پیامبر (ص) می فرماید: اسم اعظم در شش 6 آیه آخر سوره حشر است

روایت است که در آن از رسول خدا (ص) در مورد اسم اعظم سؤال شد فرمود: هر اسمی از اسما
الهی اعظم است پس قلب خویش را از غیر خدا خالی کن و خدا را به هر اسمی که می خواهی بخوان
!برای خدا اسمی متفاوت با اسم دیگر نیست بلکه او خداوند واحد قهار است

چرا گاهی دعا مستجاب نمیشود؟

یکی از سوالاتی که ذهن جوانان را به خود مشغول کرده واکثرا جواب قانع کننده ای برای آن نمی
یابند این است که چرا دعای ما مستجاب نمیشود؟ البته دعای اینها بیشتر در مورد ازدواج با فلان پسر یا
دختر است یا در مورد شغل ویا قبولی در دانشگاه می باشد

این مساله به حدی ذهن آنها را مشغول کرده که بعضا دچار شبهه در وجود خدا شده اند ویا در انجام
فرائض دینی سست شده اند

دختر خانمی می گفت چندساله که دیگر نماز نمی خونم. چون خدا دعای من را مستجاب نکرد

خانم دیگری می گفت من دیگه زیارتگاهها نمی رم. نذر نمی کنم. نماز نمی خونم چون خدا حرف
منو نشنید

بعضی ها پیام می دهند که خدا که حرف ما رو نمی شنوه. شما برامون دعا کنید!

آنها از روحانیت انتظار دارند جواب قانع کننده به سوالات آنها بدهد

در جواب این سوال بسیار مهم چند نکته را بیان می نمایم

1. نکته اول

خداوند حکیم براساس حکمت خود عمل می کند. ولی ما انسان براساس ظاهر عمل می نمایم

چه بسا امری برای ما بد باشد ولی ان را خوب می دانیم و از خدا آن را درخواست می نمایم و

برعکس

در این رابطه به چند نمونه اشاره می نمایم:

گویند پیامبری در محلی استراحت می کرد. دید که چند کودک مشغول بازیند. ولی یکی از کودکان «

کور است و بقیه بچه ها او را اذیت می کنند. دلش بحال این کودک کور سوخت و دعا کرد: خدایا! به

این کودک بینائی بده

دعایش مستجاب شد و کودک بینا شد. ناگاه این کودک با عصبانیت سراغ بچه هارفت و گفت: شما

بودید که مرا اذیت می کردید؟ آنگاه چند نفر از آنان را کنار رودخانه برد و با قوتی که داشت سر آنها را

داخل آب کرد و گشت! پیامبر مذکور از دعایش پشیمان شد و گفت: خدایا کوری را به او برگردان که

«! تو خود حکیمی و می دانی به چه کسی بینائی بدهی و چه کسی را کور نمائی

گویند شخصی دو تا داماد داشت یکی کوزه گر بود و دیگری کشاورز. روزی به دیدار داماد کشاورز رفت و گفت در چه حالی هستی؟ کشاورز گفت اگر خداوند یک باران خوبی بفرستد تا کشتم خوب! شود وضع خوب می شود!

با او خدا حافظی کرد و به دیدار داماد کوزه گر رفت و پرسید: در چه حالی هستی؟ کوزه گر گفت! اگر خداوند یک افتاب خوبی بفرستد تا کوزه هایم خشک شود وضع خوب می شود

این شخص گفت خدایا تو خودت حکیمی و می دانی چه وقت باران بفرستی و چه وقت هوارا آفتابی! نمایی!

گویند عابدی بر اثر عبادت زیاد دارای سه دعای اجابت شده گردید. بازنش مشورت کرد که چه « دعائی بکنیم؟ زنش گفت: دعا کن خدا مرا خوشگل ترین زن کند! مرد هم دعا کرد و ناگاه زنش زیباترین زن شد. ساعتی خوشحال و مسرور بودند. اما ناگاه اخلاص زن تغییر کرد و بنای ناسازگاری گذاشت و عاقبت گفت: من دیگر با تو زندگی نمی کنم زیرا جوانان زیبای زیادی هستند که طالبند بامن و صلت کنند! مرد وقتی این حرف را شنید، ناراحت شد و گفت: حال می دانم که با تو چکنم! و دعا کرد: خدایا زخم را تبدیل به سگ کن!! ناگاه زن تبدیل به سگ شد! مرد اندکی خوشحال شد. اما فرزندان زن از او با التماس و خواهش خواستند که دعا کند مادرشان بهمان شکل اولیه که بود برگردد! مرد هم «! دعا کرد: خدایا زخم را بحال اول برگردان! وزن بصورت اولش برگشت و سه دعای مرد هدر رفت

2. نکته دوم

در روایت است که:

علل عدم اجابت دعاها از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع)

مردی به حضرت عرض کرد: خداوند می فرماید: «ادعونی استجب لکم» پس چرا ما دعا می کنیم، ولی اجابت نمی شود، حضرت فرمود: چون دل های شما در هشت مورد خیانت و بی وفایی کرد

1. خدا را شناختید، ولی حقش را آن گونه که بر شما واجب بود، ادا نکردید. از این رو آن معرفت به کار شما نیامد

2. به پیامبر خدا ایمان آوردید، ولی در عمل، با سنت و روش او مخالفت کردید، پس ثمره ایمان شما چه شد؟

3. کتاب خدا (قرآن) را خواندید، ولی در عمل با آن مخالفت کردید

4. گفتید از آتش دوزخ می ترسیم، ولی در همه حالات به واسطه گناهان خود به سوی جهنم می روید

5. گفتید به بهشت تمایل و رغبت داریم، ولی کارهایی انجام می دهید که شما را از بهشت دور می سازد

6. نعمت های خدا را استفاده می کنید، ولی شکر و سپاس گزاری نمی کنید

7. خداوند فرمود: شیطان دشمن شما است، شما نیز او را دشمن گیرید. شما به زبان او را لعن می کنید، ولی در عمل با او دوستی می نمایید و از او اطاعت می کنید

8. عیب های مردم را برابر دیدگان تان قرار دادید و عیب های خود را پشت سرانداختید، در نتیجه کسی را ملامت می کنید اما خود به ملامت سزاوارتر هستید

با این وضع چه دعایی از شما مستجاب گردد، در صورتی که شما راه ها و درهای دعا را به روی خود بسته اید؟! پس تقوا پیشه کنید؛ کارهایتان را اصلاح کنید؛ امر به معروف و نهی از منکر کنید تا خدا (دعایتان را مستجاب کند

معجزه دعا

زمانی که دوره کارآموزی را در بیمارستان «پارکلند مموریال» (1) واقع در شهر دالاس (ایالت تگزاس) سپری می کردم، نخستین بیمارم را که دچار سرطان کشنده ای در هر دو ریه اش شده بود، زیر نظر گرفتم و وی را از شیوه های درمانی آگاه کردم و گفتم:

!چندان امیدوار نیستم که بهبود یابی -

او با شنیدن این سخن تلخ و نومید کننده، زیر بار هیچ نوع معالجه ای نرفت. با این همه، هر وقت به کنار تختش می رفتم، عیادت کننده هایی را می دیدم که از کلیسا آمده و دورش حلقه زده بودند، برایش آواز مذهبی می خواندند و دعا می کردند. با خود می اندیشیدم

کار خوبی است چون همین روزها باید آماده شوند تا در مراسم به خاک سپاریش آواز سر دهند و -
دعا و نیایش کنند

سال بعد که محل کارم عوض شده بود، یکی از دوستان و همکاران پیشینم در بیمارستان یاد شده تلفنی پرسید: می خواهی بیمار قدیمی ات را ملاقات کنی؟

!او را ببینم؟ -

هیچ نمی توانستم باور کنم که هنوز زنده باشد . وقتی عکس پرتونگاری سینه اش را دیدم، غرق
!حیرت شدم، ریه های او کاملا سالم بود و هیچ نشانه ای از سرطان در آنها دیده نمی شد

:رادیولوژیست که به عکس می نگریست، گفت

!درمانش معجزه بوده است -

:با خودم گفتم

!معالجه؟ معالجه ای در کار نبوده جز این که دعاها اثر کرده باشند -

قضیه را به دو تن از استادان دانشکده پزشکی گفتم . هیچ کدام نخواستند تایید کنند که بهبودی بیمار
:معجزه بوده است! یکی از آنها گفت

. این روند عادی بیمار است -

:دیگری شانه اش را با بی اعتنایی بالا انداخت و گفت

. از این چیزها زیاد اتفاق می افتد -

من که ایمان و اعتقاد قلبی دوران کودکی ام را از دست داده و به توانایی پزشکی جدید ایمان آورده بودم . دعا را یک تشریفات ظاهری و اختیاری فرض می کردم . به همین جهت، این رخداد را فراموش کردم .

سالها گذشت و مرا به عنوان مدیر داخلی یکی از بیمارستانهای بزرگ شهری منصوب کردند . خبر داشتم که در آنجا شمار زیادی از بیماران دست به دعا می شوند، ولی من کوچک ترین اعتقادی به این کار نداشتم .

در اواخر دهه 80 با پژوهشهایی که قسمت اعظمشان بر اثر آزمایشهایی به اثبات رسیده بودند، روبه رو شدم که نشان دادند دعا موجب بروز تحولات چشمگیری در دگرگونی شرایط جسمی و روحی آدمی می گردد .

شاید مستندترین بررسیها در سال 1988 به وسیله دکتر «راندولف بیرد» متخصص قلب و عروق انجام پذیرفته باشد . رایانه، وجود 393 مریض بستری در بخش مراقبتهای ویژه بیمارستان قلبی [سی . سی . یو] بیمارستان عمومی سانفرانسیسکو را اعلام کرد . عده ای برای گروهی از آنها دعا می کردند و در حق دسته ای دیگر دعایی نمی شد . هیچ کس نمی دانست که این بیماران در زمره کدام گروه بودند

. تنها اسم کوچک مریضها به انضمام شرح مختصری از مریضی شان در اختیار دعا کنندگان نهاده شد .
از آنها خواستند تا زمان مریض شدن بیماران از بیمارستان، هر روز برایشان دعا کنند . ولی در مورد
. این که چگونه به این عمل پردازند و چه بگویند، توصیه ای نشده بود

موقعی که این پژوهش پس از گذشت ده ماه کامل شد، بیمارانی که درباره آنان دعایی شده بود، از
:چندین حیث سود بردند

آنها پنج بار کمتر از گروهی که دعایی در موردشان نشده بود، نیاز به پادزیست (آنتی بیوتیک)
. پیدا کردند؛ پنج دفعه کمتر دچار آفت نبض شدند . ایست قلبی، کمتر به سراغشان می رفت

چنانچه در پیشرفتهایی که تا کنون در دانش نوین پزشکی پدید آمده است، به جای دعا، داروی
جدید یا شیوه های جراحی وجود می داشت، احتمالاً به منزله یک عامل بهبودی قلمداد می گشت .
حتی شخص بی دین و بی ایمانی همچون دکتر «ویلیام نومن» که شک و تردید خود را درباره ارزش
و اعتبار شفای ایمانی در کتابی آورده، معترف است: اگر این مطالعه معتبر باشد، ما پزشکان باید در
نسخه هایمان بنویسیم: «روزی سه مرتبه دعا کن .» ولی دانشمندان و در ضمن پزشکان پیوسته با موارد
. مبهمی برخورد می کنند که گویی یکی از آنها همین قدرت دعا باشد

در آن زمان من طبایتم را وقف پژوهش و نگارش درباره دعا و کیفیت تاثیر آن بر بهبودی بیماران
. کردم .

مطالعات زیادی حاکی از آن است که دعا تاثیر بسزایی در بهبود فشار خون، جراحات، سردردها و نگرانی دارد. در ذیل مواردی از یافته هایم را یادآور می شوم

اثر دعا

طی بررسیهایی که داشته ام، دعا نه تنها در مواقعی که افراد برای تقاضای مشخصی دست به دعا برداشته اند سودمند بوده، بلکه زمانی هم که چیز خاصی طلب نکرده اند، نتیجه داشته است. به واقع مشاهدات من حاکی از آن است که دعای ساده ای همچون «[ای خداوند!] آنچه اراده توست، شدنی است»، از لحاظ کمی بسیار اثربخش تر از دعاهاى شخصی و طلب نیازهای شخصی است. در بسیاری از موارد ظاهرا یک حالت دین باوری و احساسی سرشار از دینداری و حس همدردی، فریادرسی، نیکوکاری و دلسوزی، زمینه را برای بهبود یافتن انسان فراهم می سازد.

دعا همراه با عشق

عشق، قدرت افسانه ای دارد. این توان، آداب و رسوم همگانی، احساس مشترک و تجربیات روزانه را شکل می دهد. عشق، شهوت را از بین می برد. به نحوی که سرخ روی شدن و ضربان شدید قلب عاشقان بی دل، گواه این مدعاست. به طور کلی، همواره اندیشه مهر و دوستکامی، عنصری ارزشمند در شفای بیماران به شمار می رفته است. در حقیقت، آماری که از ده هزار مرد مبتلا به بیماریهای قلبی در «مجله پزشکی آمریکا» درج شده، حاکی است کسانی که به آماس گلو دچار بودند و همراهشان را پشتیبان و هواخواه خویش می پنداشتند، تقریباً 50 درصد از این بیماری بهبود یافتند.

اصولا تمامی شفایافتگانی که از ایمان کافی برخوردار و به دعا و نیایش معتقدند، در این نکته اتفاق نظر دارند که عشق، قدرتی است که حصول بهبودی را برایشان امکان پذیر می کند. هر چند بین آن ها [محب و محبوب] فاصله باشد، حس همنوایی و صمیمیت چنان استوار می شود که ایشان واقعا آن را «یکی شدن» با شخص دعا شونده می انگارند. «اگنس سانفورد» بر این باور است که فقط عشق و محبت قادر است شعله شفا را برافروزد.

دعاگویان هرگز نمی خوابند

یکی از شگفت انگیزترین موعظه هایی [که در] دوران کودکی [خطاب به] من اظهار می شد این بود:
!همیشه دعا کن

آنقدر بزرگ شده بودم که مفهوم «همیشه» را دریابم. با این حال، علی رغم تمام تلاشهایم در این راه به آسانی نمی توانستم دعاخوانی همیشگی باشم و همواره شبها در رختخواب، جذب خواب، تلاشم را نقش بر آب می ساخت. به فکر نمی رسید که دعاگویی «نیمه هوشیارانه» هم شدنی است.

امروزه، ما دعا را تا حدودی با آگاهی و هوشیاری یکی می دانیم. چنانچه دعا حتی در موقع خواب، در ضمیر ناخودآگاه ما بروز کند، بی معنی به نظر می آید و احتمال این که ضمیر ناخودآگاه ما بهتر از هوشیارمان دعا کند، به آسانی در اندیشه جای نمی گیرد.

دعا، ضامن سلامتی است

دکتر «هربرت بنسون» ، استاد دانشکده هاروارد یکی از اولین پژوهندگان پزشکی بود که درباره فواید دعا و نیایش مطالعاتی انجام داد . وی متوجه شد که در بین مسلمانان، مسیحیان، یهودیان و کاتولیکها از عبارتهایی چون: «پروردگارا! به ما رحم کن» استفاده می شود . یهودیان درود صلح «شالوم» می فرستند و پروتستانها غالبا نخستین سطر دعای آفریدگار را در آغاز «سرود بیست و سوم» بر می گزینند . استاد یادشده به رابطه میان اعمال و دعا پی برد . وی به قهرمانان دو پیام داد: هنگام دویدن، بیندیشند و مشاهده کرد به این ترتیب، بدنشان ورزیده تر می شود

تحقیقات وی نشان داد که نه تنها دعا برای بدن اثر دارد، بلکه شیوه دعاگویی افراد بشر هم با یکدیگر بسیار متفاوت است . انتخاب راهکاری ویژه برای دعا کردن چه بسا مردم را محدود می کند و نتیجه . چیزی جز دست کشیدن از این عمل نخواهد بود

دعا باید آزادانه انجام پذیرد

بیشتر مردم خود را ناچار می بینند که دعایشان را با قصد و هدفمندانه بر زبان جاری سازند . ولی پژوهشها نشان می دهد درخواستی که آزادانه صورت گیرد نیز می تواند چاره ساز باشد . در عبارات دعایی همانند: «هر چه آفریدگار بخواهد» ، «آنچه تو اراده کرده ای، همان است» . «بگذار چنین باشد» . «که بهترین مقدرات را تعیین کند

. دعا گزاران خود را به طلب معینی محدود نمی کنند . یا دعای مبهم و پیچیده نمی کنند

شاید مقصود برخی از اشخاص که عبارت «بگذر و به خدا واگذار کن» را به کار می‌برند، همین باشد. بسیاری از افراد در دعاهای خویش حالت تسلیم و بی‌دخالتی را تمیز می‌دهند و از پیامدهایش . چنین بهره‌مند می‌گردند

پیام دعا

یکی از بیماران در حال جان سپردن بود. روز پیش از مرگ، با زن و بچه‌هایش کنار تختخوابش نشسته بودم. می‌دانست آفتاب عمرش لب بام است، در حالی که صدایش گرفته بود، جمله‌های خود را با احتیاط به زبان می‌آورد. هر چند آدم مذهبی نبود، ولی معلوم بود که راز و نیاز آغاز کرده است.

. از وی سؤال کردم: برای چه چیزی دعا می‌کنی؟ با احتیاط جواب داد: دعایم به خاطر چیزی نیست

آری! راز و نیاز اینگونه است. دعا و توسل، یادآور سرشت بی‌پایان ماست، بخشی از وجود ما شمرده می‌شود که محدود به زمان و مکان معینی نیست

.ء "منبع: مجله ریدرز دایجست 1998

:پی نوشتها

⁵1. Parkland Momarial.

⁵ hawzah.net/fa/Magazine/View/4382/4425/30552